



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۴/۲۷



م. عارف عباسی

## کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ شمسی

افغانستان را آنچنان از هم پاشید که تا امروز خود را جمع نمیتواند



وقتی موضوع وطن مطرح گردیده و بحث به جهت ملی می گراید عواطف، علائق و سلائق را مجال تبارز نیست و کتمان حقایق خیانت بزرگ است به اصل کرامت و تقدس قلم.

خود خواهی، غرور، قدرت طلبی و قانع نبودن به زندگی در اریکه های قدرت پیر مرد فریب خورده ای برای رسیدن به آرزوی در مقام اول بودن در دامی افتاد که با استفاده از نام، شهرت و موقف اجتماعی اش دسیسه تکوین یافت که آرزوی دیرینه ابر قدرتی را زمینه تحقق بخشید.

شرایط توسط تعهدات و توافقات مخفی چنان فراهم گردید که زمینه گسترش، تحکیم و تقویت حزبی را فراهم ساخت که در شرایط عادی با کم تر از چهار هزار عضو ابداً در کشوری چون افغانستان به قدرت نمی رسید.

این حزب زیرکانه، سنجیده شده مطابق طرح معین از بستر سازی که برای شان آماده شده بود کمال بهره برداری را نموده خود را بسیج و تنظیم نموده و از جانبی درب های افغانستان چنان فراخ به روی مشاورین شوروی باز شد که اکثراً اعضای استخبارات ملکی و عسکری بودند.

تپ و تلاش های مذبوحانه و تصفیه و مبارزه توسط اشخاص بی کفایت و سست عنصر مسیر آن چه باید اتفاق می افتاد تغییر داده نتوانست.

کودتای ۷ ثور صورت گرفت و آن را که رهبر می گفتند و از موقف و پولش استفاده کرده بودند بی رحمانه و وحشیانه با اعضای خانواده اش به قتل رساندند.

روز سیاه و منحوسی که گروه خود فروخته، اولاد نا خلف افغانستان تحت شعار رهایی رنج دیدگان و ستم کشیدگان و افسارمظلوم و محروم و در هم شکستن نظام طبقاتی در جامعه ظهور و به دستور بادر در صدد شکستن کمر قامت رسای ملت با غرور و سنگر داران تاریخی دفاع از حریت و استقلال میهن بر آمدند و با وعده های دروغین و پیروی از دستاویز کتاب مقدس لیلینزم و حاکمیت پولیترتیریا در عزم انداختن حلقه غلامی سر دمداران کرملن در گردن بر افراشته این ملت قهرمان بودند.

به صدها هزاری را با انواع روش های وحشیانه و ظالمانه کشتند و ده ها هزاری را با شکنجه های گوناگون در سلول های محابس انداختند.

وقتی در برابر قیام های سترگ ملی و و ایستادگی سر سپردگان و مدافعین راه آزادی و شرف و ناموس وطن قرار گرفتند با خشوع و خضوع از بادار مدت خواستند و قدرتی که سالها در آرزوی چنین فرصتی بودند صف آراستند و با قوت های زمین و آسمان لرزان برای درهم شکستن نیروی مقاومت ملی آزادی خواهان پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، نورستانی و پشه یی عزم جزم نمودند ولی تأریخ نخوانده بودند که این میهن قبرستان استعمار گران و متجاوزین است.

در ده سال تجاوز و با عصری ترین ساز و برگ نظامی شوروی نیروی مقاومت ملی مردم قهرمان افغانستان را در هم شکسته نتوانسته به آرزوی خود نرسید و خود تباه و متلاشی شد ولی شیرازه اجتماعی و اقتصادی افغانستان را در هم شکست. در آوان درماندگی تخم نفاق پاشید و ملیت ها ساخت و زنجیر وحدت ملی درهم شکست. آن چه این وطن داشت همه را ویران کرد و ملیونی کشت و ملیون ها آواره کرد.

هم وطن!

اگر امروز رهبر تنظیمی می بینی، جنگ سالار و تروریست می بینی، دین گرای افراطی می بینی و تفرقه های قومی و زبانی می بینی همه مولود جنایات حزب نام نهاد دموکراتیک خلق و جنگ چهارده ساله بادار شان است.

این احزاب خلق و پرچم که هر دو وطن فروش مصائبی برای این وطن خلق نموده اند که تا حال افغانستان با آن کلاویز است و رهایی از آن آسان نیست.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.